

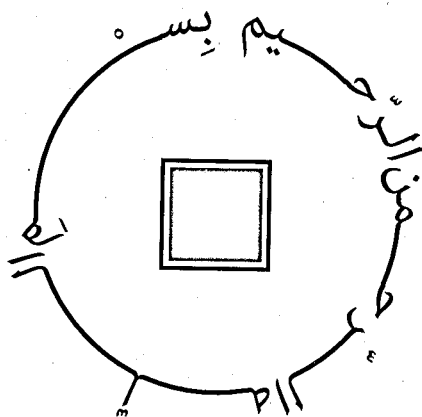


معمار و معماری در تاریخ اجتماعی ایران

غلامرضا جمال الدین

چون سنده دید چادر	و دهانان در کشت قران	بر سر آن سپید و زردان
از در که کشته سینه چادر	بگوزند یک چادر بچادر	از یک سواد و سبب دت
و چون دهان بهان کیانی ام	با دوش من نامد یک چادر	با دوش من و قرار پس







کتابخانه ملی ایران

معمار و معماری در تاریخ اجتماعی ایران

غلامرضا جمال الدین

بر سر آن همیشه باد بزرگان
دور از آن دو کورت و تخران
از یکی سوز و زده آب و زیت
بکوارند سبک که چو آب حیرت
باد می‌شود هر تراز را بس
باد می‌شود از ناز و برکت و بخش
چون نسیم و دید چادر کش
وزدگر که کوشه سبز چرخ
بودنمان بر آن کجانی م



سرشناسه: جمال‌الدین، غلامرضا، ۱۳۶۷ -
 عنوان و نام پدیدآور: معمار و معماری در تاریخ اجتماعی ایران/غلامرضا جمال‌الدین.
 مشخصات نشر: تهران: روزنه، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری: ۳۳۲ ص.؛ مصور، جدول؛ ۱۴/۵×۲۱ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۵۳۳-۴
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابخانه: ص. ۳۰۶-۳۲۶.
 موضوع: معماری و جامعه — ایران — تاریخ
 Architecture and society -- Iran -- History
 معماری — ایران — تاریخ
 Architecture -- Iran -- History
 رده‌بندی کنگره: NAT۵۴۳
 رده‌بندی دیویی: ۷۲۰/۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۳۰۳۲۱



معمار و معماری در تاریخ اجتماعی ایران

غلامرضا جمال‌الدین

چاپ اول: ۱۴۰۲
 قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان
 چاپ و صحافی: روزنه کار
 آدرس: خیابان ولیعصر، بعد از خیابان شهید بهشتی، کوچه نادر، پلاک ۳، واحد ۲، انتشارات روزنه
 تلفن: ۸۸۱۲۴۵۳۸ - ۸۸۷۳۳۹۰۲ - ۸۸۷۲۱۵۱۴ نمابر: ☎
 سایت: www.rowzanehnashr.com 🌐
 rowzanehnashr Ⓜ️ rowzanehnashr Ⓜ️
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۵۳۳-۴ ISBN: 978-622-234-533-4
 * تمام حقوق برای ناشر محفوظ است *

فهرست

۱۱.....	پیشگفتار.....
۱۵.....	درآمدی بر معمار و معماری در تاریخ اجتماعی ایران.....
۲۱.....	بی‌نوشت‌ها.....

۲۳.....	گفتار اول: جایگاه و شأن اجتماعی معمار-مهندس در تاریخ ایران.....
۲۶.....	۱. بازخوانی نقش و جایگاه اجتماعی معمار و مهندس در تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی.....
۳۸.....	۲. مهندس و هندسه.....
۴۷.....	۳. طبقه‌بندی اصناف و جایگاه اجتماعی معماران - مهندسان.....
۵۲.....	۴. معماران و مهندسان صنف شهری و ناظران صنف ایشان: محتسب.....
۵۳.....	۵. ناظران حکومتی و نظارت بر صنف معماران: پیش از صفویه.....
۵۳.....	۵. ۱. حاکم شهر.....
۵۳.....	۵. ۲. امیر عسس.....
۵۳.....	۵. ۳. محتسب.....
۵۴.....	۵. ۴. عریف.....
۵۴.....	۶. وظایف نهادهای حکومتی در نظارت بر صنف معماران.....
۵۵.....	۶. ۱. انتصاب کارفرما.....
۵۵.....	۶. ۲. نظارت بر پوشش.....
۵۵.....	۶. ۳. نظارت بر خرید و فروش مصالح و کیفیت آن‌ها.....
۵۵.....	۶. ۴. تذکر بر صداقت.....
۵۶.....	۶. ۵. منع تصویرنگاری.....
۵۶.....	۶. ۶. حریم.....

۵۶	۶. ۷. نظارت بر دسترسی و معابر شهری
۵۶	۶. ۸. تذکر بر رعایت نظافت
۵۶	۶. ۹. نظارت بر ساخت و ساز اقلیت‌های مذهب
۵۷	۶. ۱۰. حفظ و مرمت
۵۷	۷. ناظران معمار و صنف معماری در دوره‌ی صفویه
۵۸	۷. ۱. ناظر بیوتات
۵۹	۷. ۲. کدخدا
۵۹	۷. ۳. استاد
۶۰	۷. ۴. شاگرد
۶۰	۷. ۵. پادو
۶۱	۷. ۶. ساختار بیرونی: ناظران صنف؛ کلانتر
۶۱	۷. ۷. نقیب
۶۲	۷. ۸. محتسب
۶۲	۷. ۹. ارباب تحویل و ناظر
۶۲	۷. ۱۰. ناظر بیوتات
۶۳	۸. معماران درویش مسلک و اهل فتوت و تصوف
۶۶	۹. معماران و مهندسان مهاجر
۷۰	۱۰. معماران و مهندسان دربار: خاصه
۷۲	۱۱. معماران دیوان عمارت
۷۳	۱۲. استاد قوام‌الدین شیرازی
۷۴	۱۳. استاد قوام‌الدین شیرازی و کتابخانه‌ی بایسنقر میرزا
۷۹	۱۴. آثار استاد قوام‌الدین شیرازی
۸۱	۱۵. سخن آخر
۸۲	۱۶. میرک سید غیاث
۸۳	۱۷. احوال و آثار میرک
۸۴	۱۸. سیمای میرک و خاندان وی در منابع تیموری و بعداز آن
۸۷	۱۹. علم سیاق و الگوی باغ و چهارباغ
۸۸	۲۰. سخن آخر
۸۹	پی‌نوشت‌های گفتار اول

گفتار دوم: امر معماری در تاریخ اجتماعی ایران..... ۱۰۷

۱. نگاهی به متون در باب امر معماری: فرمان معماری خوارزم..... ۱۱۱

۲. سایر متون در سده‌های میانی..... ۱۱۵

۱۱۵.....	۳. نقش عدالت در آبادانی.....
۱۱۷.....	۴. اهمیت عمارت و زراعت در پایداری حکومت.....
۱۱۸.....	۵. نقش معماری در قضاوت تاریخ از گذشتگان.....
۱۲۰.....	۶. جایگاه مؤلفه‌های معماری در تاریخ‌نگاری مورخان اسلامی.....
۱۲۲.....	۷. تاریخ و جایگاه آن در کتاب تاریخ جدید یزد.....
۱۲۳.....	۸. تاریخ و معماری.....
۱۲۵.....	۹. معماری در تاریخ‌نگاری کاتب یزدی.....
۱۲۷.....	۹. ۱. حامیان و بانیان.....
۱۲۸.....	۹. ۱. ۱. سلسله‌های حکومتی و اقارب آن‌ها.....
۱۲۹.....	۹. ۱. ۲. طبقات یا اشراف اداری.....
۱۳۰.....	۹. ۱. ۳. طبقات و اشراف لشکری.....
۱۳۰.....	۹. ۱. ۴. سادات و شیوخ.....
۱۳۰.....	۹. ۱. ۵. اشراف و خاندان‌های بانفوذ محلی.....
۱۳۱.....	۹. ۱. ۶. خادمان و وابستگان بناهای موقوفی.....
۱۳۱.....	۹. ۲. عملکرد بناها.....
۱۳۲.....	۹. ۳. ذکر آب‌رسانی و منابع آبی یزد.....
۱۳۴.....	۹. ۴. توصیفات زیباشناسی.....
۱۳۸.....	۹. ۵. معماران و هنرمندان.....
۱۴۰.....	۹. ۶. معماری و جایگاه آن در شعر.....
۱۴۲.....	۱۰. سخن آخر.....
۱۴۲.....	۱۱. شهرنشینی و شهرسازی در تاریخ اجتماعی اسلامی ایران.....
۱۴۳.....	۱۲. آغاز سخن.....
۱۴۵.....	۱۳. سیمای شهر بخارا.....
۱۴۶.....	۱۴. سیمای شهر قم.....
۱۴۷.....	۱۵. سیمای شهر نیشابور.....
۱۴۷.....	۱۶. سیمای شهر اصفهان.....
۱۴۸.....	۱۷. سیمای شهر شیراز.....
۱۴۹.....	۱۸. سیمای شهر یزد.....
۱۵۱.....	۱۹. سیمای شهر هرات.....
۱۵۴.....	۲۰. بررسی مؤلفه‌های کالبدی در شهرهای ایران؛ دوره‌ی اسلامی: مؤلفه‌های سیاسی.....
۱۵۶.....	۲۱. مؤلفه‌های مذهبی.....
۱۵۷.....	۲۲. مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....
۱۵۸.....	۲۳. سخن آخر.....

۱۵۹.....	۲۴. بناهای گمشده در تاریخ اجتماعی معماری ایران.....
۱۶۰.....	۲۴. ۱. نخاس خانه.....
۱۶۲.....	۲۴. ۲. دارالشفاء.....
۱۶۵.....	۲۴. ۳. عیدگاه.....
۱۶۷.....	پی‌نوشت‌های گفتار دوم.....
۱۷۵.....	گفتار سوم: صوفیه و خانقاه، مزار و زیارت، فتوت‌نامه و شهر آشوب.....
۱۸۰.....	۱. اهل صوفیه و اهل خانقاه: صوفیان و خانقاهیان.....
۱۸۳.....	۲. نظام خانقاه در طریقت ابوسعید ابوالخیر.....
۱۸۶.....	۳. نظام و ساختار اجتماعی تصوف و معماری خانقاه.....
۱۹۱.....	۴. ساکنان خانقاه: مقیمان و مسافران خانقاه.....
۱۹۱.....	۴. ۱. شیخ.....
۱۹۱.....	۴. ۲. صوفی مسافر.....
۱۹۳.....	۴. ۳. صوفی مقیم.....
۱۹۴.....	۴. ۴. خادم و متخادم.....
۱۹۵.....	۴. ۵. اهل خدمت و صحبت و خلوت.....
۱۹۵.....	۵. معماری خانقاه.....
۱۹۶.....	۶. تصویر خانقاه در متون: اجزا و عناصر.....
۱۹۶.....	۶. ۱. درگاه یا ورودی.....
۱۹۶.....	۶. ۲. دکان.....
۱۹۶.....	۶. ۳. کفش‌کن.....
۱۹۶.....	۶. ۴. زاویه.....
۱۹۷.....	۶. ۵. صومعه.....
۱۹۷.....	۶. ۶. حظیره.....
۱۹۸.....	۶. ۷. گرمابه.....
۱۹۸.....	۶. ۸. ایوان.....
۱۹۸.....	۶. ۹. صفه.....
۱۹۸.....	۶. ۱۰. رواق.....
۱۹۸.....	۶. ۱۱. مسجد یا مسجدخانه.....
۱۹۹.....	۶. ۱۲. تخت یا کرسی.....
۱۹۹.....	۶. ۱۳. صندوق.....
۱۹۹.....	۶. ۱۴. حجره.....
۲۰۰.....	۶. ۱۵. بالاخانه یا بام.....

۲۰۰	۶. ۱۶. حوض خانه یا آب خانه.....
۲۰۰	۶. ۱۷. مطبخ.....
۲۰۰	۶. ۱۸. جماعت خانه.....
۲۰۰	۶. ۱۹. محل زیارت خرقه پیر.....
۲۰۱	۶. ۲۰. صحن و حیاط.....
۲۰۱	۶. ۲۱. محل ستوران.....
۲۰۱	۷. خانقاه ابوسعید.....
۲۰۲	۸. مجموعه مزار و خانقاه شیخ احمد جامی.....
۲۰۷	۹. معرفی مجموعه بر اساس نسخه‌ی خطی مزار.....
۲۰۸	۱۰. ساختار فضایی و کالبدی گنبدخانه.....
۲۱۱	۱۰. ۱. مسجد کرمانی.....
۲۱۳	۱۰. ۲. مسجد عتیق.....
۲۱۴	۱۰. ۳. مسجد سفید.....
۲۱۵	۱۱. ایوان مجموعه.....
۲۱۷	۱۲. سخن آخر: معماری مجموعه و آیین زیارت.....
۲۲۰	۱۳. جایگاه مزار و زیارت به روایت مزارنامه‌ها.....
۲۲۲	۱۴. نقش تصوف و زیارت در شکل‌گیری مزارها و مقابر عصر تیموریان.....
۲۲۴	۱۵. تأثیر زیارت بر جنبه‌های معنایی و اجتماعی و معماری مزارها.....
۲۲۵	۱۶. واژه‌شناسی مزار.....
۲۲۹	۱۷. نحوه دسته‌بندی مزارها و نشانی قبور: تصویری از سیمای شهر.....
۲۳۱	۱۸. کارکردهای اجتماعی و فرهنگی مزارها و بناهای وابسته به آن‌ها.....
۲۳۴	۱۹. سخن آخر.....
۲۳۵	۲۰. فتوت و جایگاه فتیان در تاریخ معماری ایران.....
۲۳۹	۲۱. فتوت در تاریخ اجتماعی ایران.....
۲۴۰	۲۲. اصول اخلاقی.....
۲۴۱	۲۳. اصول اعتقادی و دینی.....
۲۴۲	۲۴. اصول فنی پیشه.....
۲۴۶	۲۵. اصول آموزشی و اخلاقی.....
۲۴۸	۲۶. شهر آشوب.....
۲۵۰	۲۷. مؤخره‌ای برای آغاز: تصوف و معماری.....
۲۵۱	۲۸. مفاهیم و نمادها.....
۲۵۵	۲۹. اصناف و پیشه‌وران.....
۲۵۷	۳۰. افعال و اعمال ذاکرانه‌ی صوفیه و تأثیر آن بر پیشه‌وران.....

۲۵۸.....	۳۱. صوفیه و خشت‌زنی.....
۲۵۹.....	۳۲. سخن آخر.....
۲۶۱.....	پی‌نوشت‌های گفتار سوم.....
۲۷۹.....	گفتار چهارم؛ بانیان و حامیان زن در عرصه‌ی معماری.....
۲۸۳.....	۱. قراختاییان و ترکان خاتون.....
۲۹۰.....	۲. سایر خاتون‌ها.....
۲۹۰.....	۳. تیموریان و قراقویونلوها.....
۲۹۳.....	۴. کشاکش تاریخ مذکر و تاریخ مؤنث: داستان مسجد بی‌بی‌خانم سمرقند.....
۲۹۹.....	۵. صفویان.....
۳۰۰.....	۶. سخن آخر.....
۳۰۱.....	پی‌نوشت‌های گفتار چهارم.....
۳۰۵.....	کتاب‌شناسی و پیوست جداول.....

پیشگفتار

دیگر نرود به هیچ مطلوب
خاطر که گرفت با تو پیوند؛ سعدی

کتاب پیش رو دغدغهای است از پاره‌ای ناگفته‌ها و کم‌گفته‌ها در باب «معمار» و «معماری» در ایران دوره‌ی اسلامی. هدف بر آن بوده است تا در چهار گفتار به دغدغه‌هایی چون جایگاه اجتماعی معمار - مهندس و همچنین امر معماری در دوران اسلامی، از دریچه‌ی «تاریخ اجتماعی» پرداخته شود. گفتار اول به موضوع جایگاه و شأن اجتماعی معمار - مهندس در تاریخ ایران و نقش وی در برپایی و تکوین آثار معماری و گروه‌های معماران که دارای منزلت متفاوت اجتماعی بودند و به تبع جایگاه خود، دارای اختیارات و محدودیت‌هایی بودند، اختصاص دارد. در این بخش به حامیان و بانیان و ناظران حکومتی، از جمله محتسب که بر کار معماران شهری و صنفی نظارت داشت و همچنین قوانین معماری و شهرسازی پرداخته شده است. بررسی احوال چند تن از معماران مطرح این دوران، من جمله قوام‌الدین شیرازی و سید میرک و نقش ایشان در دوران خودشان، در تکوین آثار معماری، بخش آخر این گفتار را شامل می‌شود. گفتار دوم موضوعاتی چون جایگاه و شأن امر معماری و عمران و آبادی در متون مختلف عصر اسلامی و اهمیتی که معماری و آبادانی برای یک حکومت داشته است و در قلم نویسندگان مختلف آورده شده است، مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دیگری از

این گفتار، به اهمیت مؤلفه‌های معماری در تاریخ‌نگاری مورخان اسلامی پرداخته شده است. این که یک مؤلف و تاریخ‌نگار در شرح و گزارش و توصیف خویش از آثار معماری دوران مختلف، چه ارکان و مواردی را مورد توجه قرار داده و چگونه به ثبت آن پرداخته است، در ادامه به بررسی چند «شهرنامه» پرداخته خواهد شد. در گزارش‌ها و توصیفات شهرهای گذشته چه مواردی مورد توجه و درخور ثبت بوده است. رجوع به شهرنامه‌ها می‌تواند تصویر ملموس‌تر را از سیما و ساختار یک شهر ارائه دهد که در باب تفاوت‌ها و شباهت‌های شهرهای دوران مختلف، نکات ارزشمندی را به همراه خود دارند. انتهای این بخش، به موضوعی بانام بناهای گمشده در تاریخ اسلامی ایران، نظر بوده است. بررسی بناهایی که بارها در متون تاریخی گزارش شده‌اند یا توصیفی از آن‌ها آمده است اما امروزه در تاریخ‌نگاری معماری اسلامی ایران غایب هستند.

در گفتار سوم، دغدغه‌ی ساختار اجتماعی صوفیه در تاریخ ایران مورد توجه بوده است. این دغدغه در چند مسیر دنبال شده است. شرح‌ها و گزارش‌هایی که در متون مختلف عرفانی از ساختار گروهی و اجتماعی صوفیه و تصوف داده شده است؛ بررسی معماری خانقاه و سایر بناهای وابسته به ایشان؛ در ادامه‌ی این بخش، به جایگاه مزار و زیارت بر اساس متون تاریخی پرداخته شده است. نقش تصوف در شکل‌گیری مزار؛ و تأثیر مفهوم زیارت بر جنبه‌های اجتماعی و معماری مزارها و مقابر اسلامی ایران؛ و کارکردهای اجتماعی مزارها و همچنین واژه‌شناسی مزار، بخش‌های اصلی این گفتار را دربر گرفته است. در پایان این مبحث، به فتوت‌نامه‌ها و شهرآشوب‌ها که به‌عنوان اسناد تاریخی، زوایایی دیگر از جایگاه سازندگان گذشته ارائه می‌دهند، نظر خواهد بود. اصول اخلاقی و عقیدتی منتسب‌شده به پیشه‌ی بنّایان به یک قیاس بهتر از مطالب کلی کتاب کمک شایانی خواهد کرد. به‌واقع، بررسی پیشه‌ی بنّایی از دریچه‌ی فتوت‌نامه که دارای اطلاعاتی در باب «اصول ذکر» این صنف است، تکمیل‌کننده‌ی مباحث فصول پیشین خواهد بود. در پایان، شهرآشوب‌ها موردبررسی خواهند بود. از بررسی محتوای این شهرآشوب‌ها که گاه با مضمونی از ستایش و گاه نکوهش و یا طنز به یک پیشه نگاه می‌کردند، می‌توان حال‌وهوای جامعه‌ی آن روزگاران را در برخورد با آن پیشه دریافت. گفتار چهارم به نقش و جایگاه بانیان و حامیان زن اختصاص دارد؛ نگاهی به ورود زنان به عرصه‌ی معماری و نقش فعالی که ایشان در حمایت مالی و معنوی از آثار معماری داشتند. گزارش‌هایی که در کتب مختلف دوران اسلامی به‌ویژه ایلخانی به این‌سو به زنان اختصاص داده شده است و از خدمات

و حمایت ایشان در عرصه‌ی معماری سخن رفته است، می‌تواند دیدگاه تازه‌ای برای تاریخ‌نگاری معماری به‌همراه داشته باشد.

مطالب این پژوهش حاصل یادداشت‌هایی است که طی سال‌های ۹۳ تا ۹۵ انجام شد و قرار بود در همان برهه به چاپ برسد، اما به دلایلی تا به امروز موفق به انجام آن نشدم. به‌تبع گذشت این سال‌ها، مطالب را بارها مورد بازبینی، و مواردی را برحسب تحول دیدگاهی که به موضوعات داشتم مورد جرح و تعدیل قرار داده‌ام. در این جا از جناب آقای دکتر احمد صالحی کاخکی که پیشنهادهای ارزنده‌ای برای بهبود مطالب کتاب ارائه داده بودند، تشکر و قدردانی می‌کنم. در آخر یادآور می‌شوم و بر این نکته تأکید می‌کنم که بی‌شک این پژوهش و نوشتار خالی از کاستی و نقص نیست و پیشاپیش از دوستان بزرگوار که در رفع اشکالات این تحقیق، بنده را آگاه خواهند ساخت کمال تشکر را دارم.

درآمدی بر معمار و معماری در تاریخ اجتماعی ایران

رجوع به متون و منابع تاریخی، ما را با طیف وسیعی از اسامی و عناوین سازندگان آثار گذشته روبه‌رو می‌کند؛ «معماران»، «مهندسان»، «بنایان»، «استادکاران»، «صنعت‌گران» و «صناع» و «عمله» و «پیشه‌کاران»، عناوینی از این دست است که در منابع تاریخ اسلام ایران، مکرر از آن‌ها یاد شده است.^۱ با این حال، در باب سهم و نقش و جایگاه واقعی این سازندگان در فرآیند تکوین یک اثر معماری و این که در مراحل ساخت‌وساز، هر یک از گروه‌های معماران و مهندسان، چه اموری را اداره و سرپرستی می‌کردند و چه اختیارات و محدودیت‌ها داشتند، پژوهشگران حوزه‌ی تاریخ معماری ایران، چنان که باید، التفات و عنایتی به این موضوع نداشته‌اند. ارائه‌ی مباحثی در باب نقش و فعالیت معماران در برپایی آثار گذشته، بدون توجه به اطلاعات پراکنده‌ای که درباره‌ی جایگاه اجتماعی معماران و مهندسان در برخی منابع وجود دارد، تابه‌حال باعث تعمیم‌های نادرست و خلط مباحث نظری در این زمینه شده است. بررسی متون و منابع تاریخی، از جمله منابعی که گزارش‌هایی از اصناف و مشاغل و طبقات پیشه‌وران در برهه‌های مختلف تاریخی آورده‌اند، ما را آگاه به این مسئله‌ی مهم می‌کنند که در تاریخ اجتماعی ایران، صنعت‌گران و پیشه‌ورزانی از جمله «معماران» و «مهندسان» دارای جایگاه و شأن اجتماعی متفاوتی بودند و در یک برهه‌ی تاریخی ممکن است با سه یا چهار گروه متفاوت از ایشان مواجه شویم که بسته به منزلت و ارتباط‌شان با حکومت و شرایط اجتماعی و سیاسی، نقش متفاوتی در برپایی آثار داشته بودند.

اجرا و برپایی آثار بزرگ گذشته که غالباً توسط و یا با حمایت حاکمان و امرا و مباشران ایشان صورت می‌گرفت، این فرصت را فراهم می‌کرد که گاه مورخان و نویسندگان به شرح نحوه‌ی برپایی این آثار بپردازند و از دست‌اندرکاران و سازندگان آن‌ها، توصیف و گزارشی ثبت کنند.^۲ هرچند این گزارش‌ها دارای ارزش و اهمیت درخور توجهی برای شناخت بخش مهمی از تاریخ معماری ایران در دوره‌ی اسلامی است، باین‌حال، صرفاً ما را با بخشی از معماران و مهندسان و بنّایان در تاریخ این سرزمین آشنا می‌کند؛ یعنی کسانی که معمولاً در خدمت حکومت و در زیر سایه‌ی فرمان دولتی و حاکمان بودند. به‌طور مثال، در دوره‌ی ایلخانی و در نوشته‌های اشخاصی چون «رشیدالدین فضل‌الله» و «وصاف شیرازی» در گزارش «مقبره‌ی غازان‌خان» در شب تبریز، از عناوینی چون «مهندسان حاذق و صنعت‌گران صاحب‌تجربه» و نیز «اوستادان [استادان] اوقلیدیسی گشاینده‌ی مشکل هندسی» و «صناع زیرک صاحب‌تجربت» اخباری آورده شده است؛ و یا در باب ساخت بنای «گنبد سلطانی» از «بنّایان و مهندسان و صنعت‌گران» نام‌برده شده است. جدا از این‌که عناوین معمار و مهندس و صناع، تعبیر عمومی است برای افراد متخصص و شاغل در حوزه‌ی ساختمانی و امور هندسی، این گزارش‌ها به کسانی اشاره دارد که در خدمت حاکمان وقت، موظف به ساخت و اجرای بناهای شکوهمند ایشان بودند.^۳ اما بخش کثیری از شهرهای گذشته و دیگر بناهای کوچک و بزرگی که در شهرها و اطراف‌واکناف آن‌ها برپا می‌شدند، آیا توسط همین مهندسان و معمارانی ساخته شده است که در متونی چون کتاب رشیدالدین، از آن‌ها یاد شده است؟ درواقع، چه گروهی از معماران، ساخت بناهای درون و برون شهری را برعهده می‌گرفتند؟

پرسش پیشین، پرسشی دیگر را پیش روی ما می‌گذارد، چه قوانین و فرامین عرفی و شرعی توسط حکومت باید در اصول شهرنشینی و شهرسازی (و به‌تبع آن برپایی بناها) اجرا می‌شد و چه کسانی ناظر و اجراکننده‌ی این فرامین بودند؟^۴ در تاریخ اسلام کتبی در باب وظایف محتسب و ناظرانی که از سوی حاکم برای نظارت بر معمار و معماری انتخاب می‌شدند، به رشته‌ی تحریر درآمده است؛ حال این سؤال پیش می‌آید که این نظارت به چه نحوی انجام می‌شده است و معماران چه اختیارات و محدودیت‌هایی داشتند؟ در برپایی بازارها، مساجد، حمام‌ها، مقابر و دیگر بناهای کوچک‌وبزرگ که در نقاط مختلف یک شهر وجود داشت، از کدام معماران و مهندسان و بنّایان، باید صحبت کرد؟ در برخی از متون اسلامی صحبت از اصناف شهری شده است و معماران و مهندسان هم، گروهی از این اصناف بودند. آیا می‌توان آن‌ها را جدا از معماران و

مهندسانی دانست که بناهای بزرگ و باشکوه گذشته را اجرا می‌کردند؟ در کنار این پرسش‌ها و مسائل، باید اشاره به معماران «عارف» و «فتی» و «درویش مسلک» کرد که در حوزه‌ی تاریخ معماری اسلامی ایران و توسط پژوهشگران این حوزه در چند سال اخیر، بسیار موردتوجه بوده‌اند و در باب آن‌ها قلم‌فرسایی‌ها شده است؛ معماران فتی و اهل فتوت که در چند دهه موردتوجه نویسندگان تاریخ معماری اسلامی ایران بودند، در چه جایگاه و مرتبه‌ای از جامعه‌ی خویش قرار داشتند؟ متون و منابع تاریخی که در باب آثار گذشته و سازندگان آن‌ها گزارش‌های فراوانی را ثبت کرده‌اند، چندان اشاره و توصیف و شرحی از معماران فتی در گزارش‌های خود نیاورده‌اند.^۵ هم‌چنین اکثر عناوینی که در متون با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم، توصیفی ستایشی از معماران و مهندسان دارند؛ ازاین‌رو، در برخی موارد، مشکل بتوان حتی در باب جایگاه و سهم واقعی آن‌ها که در خدمت دربار و حکومت و یا دیوانی خاصی بودند، تفسیر و تبیینی مطمئن ارائه کرد.

به‌طور مثال، در دوره‌ی تیموری و در بخش عظیمی از متون ایشان، با القاب و عناوین فراوانی از صنعت‌گران حوزه‌ی معماری و ساختمان روبه‌رو می‌شویم که بیشتر جنبه‌ی ستایش را به‌همراه دارد. دو تن از نویسندگان این عصر، یعنی «نظام‌الدین شامی» و «شرف‌الدین علی یزدی» در مورد عمارت «مسجد جامع سمرقند» نوشته‌اند که «استادان ماهر و بتایان مهندس، طرح آن عمارت مبارک بینداختند» و «مهندسان صاحب‌هنر و استادان ماهر دانش‌ور، اساس آن را طرح انداختند و عمله و پیشه‌کاران چابک‌دست که هر یک سرآمده‌ی کشوری و یگانه‌ی مملکتی بودند، دقایق حذاقت^۶ و مهارت در تشیید^۷ ارکان و توطید^۸ بنیان آن به ظهور رسانیدند». در گزارش احداث «باغ شمال» و «باغ دلگشا» در سمرقند و نیز عمارت شهر بیلقان و بنای حصار آن، شرف‌الدین علی یزدی از «مهندسان کاردان و معماران چابک‌دست روشن‌روان که از تمام ممالک فارس و عراق و آذربایجان و دارالاسلام و دیگر بلاد به دارالسلطنه جمع شده بودند» و نیز از «مهندسان دانش‌ور و روشن‌روانی» یاد می‌کند که در «مساحی مهندس و نامی و در رسامی چیره‌دست» بوده‌اند؛ یا اشاره به «معماران کاردان» و «بتایان صاحب‌هنر» دارد و یا «شغل عمارت» را از «معظلمات امور عالم و مهمات جمهور بنی‌آدم» محسوب می‌دارد.^۹

مسئله‌ی چنین گزارش‌هایی، به دلیل آن‌که توسط افراد متخصص در این زمینه نگاشته نشده است و گاه دارای جنبه‌ی ستایش و غلو هستند، باید با احتیاط و گاه با شک و تردید در آن‌ها نگاه کرد. بسیاری از این توصیف‌ها و گزارش‌ها در کتب نویسندگان، به‌ویژه

در عصر تیموری، تکرار گزارش نویسندگان یا تاریخ‌نویسان پیشین بوده است؛ و درواقع، مسائلی چون تاریخ گزارش وقایع، هم‌عصر بودن مؤلفان با وقایع، چگونگی گردآوری و بهره‌گیری از نوشته‌های قدیم‌تر، روش مؤلفان در ثبت رویدادها، کیفیت انتقال آن‌ها و سبک نوشتاری‌شان را برای تعیین میزان صحت و سقم و مبالغه در آن‌ها، نیز باید در نظر داشت.^{۱۰} حتی پژوهشگران در باب زندگی و شخصیت معماران مطرح دوران اسلامی ایران، از جمله «قوام‌الدین شیرازی» که از معماران مشهور دوره تیموری بوده و از وی با عناوین و القابی نظیر «قدوهی»^{۱۱} مهندسان زمان و مرجع معماران دوران» و «اُستاد و هنرمندی بی‌نظیر در مهندسی و طراحی و معماری» یاد کرده‌اند، تصویر و ارزیابی نادرستی از موقعیت و جایگاه وی ارائه داده‌اند. اما مسئله‌ی جایگاه معمار و مهندس به این موارد ختم نمی‌شود.^{۱۲}

در سوی دیگر این مباحث، با «شهرآشوب‌ها» و «فتوت‌نامه‌ها» روبه‌رو هستیم. دو سند مختلف از وضعیت معمار و معماری که گاه چندان هم‌خوانی با مباحث و گزارش‌های متون عمومی تاریخی در باب معماران و بنایان ندارند. معماران و بنایان فتی که رساله‌ای به آن‌ها اختصاص داده شده است و اصول اخلاقی و عقیدتی و آموزشی برای آن‌ها آمده است، در چه جایگاه اجتماعی از جامعه‌ی خویش قرار داشتند و به چه نحوی آموزش می‌دیدند؟^{۱۳} آیا ایشان با معماران صنفی و یا صنف معماری یک شهر رابطه و خویشاوندی داشتند یا گروه مستقلی به حساب می‌آمدند؟ چرا زمانی که در کتب مختلف تاریخ اسلام گزارشی به معماران و مهندسان برخی آثار اختصاص داده شده است، چندان نامی از معماران فتی و اهل فتوت نیاورده‌اند؟ در کنار فتوت‌نامه، باید از «شهرآشوب» یاد کرد. شهرآشوب‌ها را می‌توان نوعی سند جامعه‌شناختی از وضعیت اصناف و پیشه‌وران مختلف در تاریخ اسلام دانست. هرچند از شهرآشوب‌ها، تعداد به نسبت قابل توجهی در تاریخ اسلامی ایران باقی‌مانده است، اما در شرح و توصیف معمار و معماری، با نوعی فقدان اطلاعات مواجه هستیم، و برخی از آن‌ها گاه هیچ اشاره‌ای به این صنف و این پیشه نکرده‌اند که در جای خود بسی سؤال دارد.^{۱۴}

اما معماران و مهندسان در حلقه‌ی ساخت‌وساز و تکوین یک اثر، تنها یک حلقه از حلقه‌های زنجیری بودند که ما از آن‌ها تا این‌جا یاد کردیم. حامیان و بانیان، مباشران، ناظران و بازرسان و وجود قوانین شرعی و عرفی، دیگر حلقه‌های فرآیند ساخت و برپایی یک اثر معماری محسوب می‌شوند. خود جایگاه بانی و حامی و مباشرت وی در آثار معماری، چشم‌اندازی دیگر از این مقوله پیش روی ما قرار می‌دهد. می‌توان در متون

دوره‌های مختلف تاریخی، طیف وسیعی از بانیان و حامیان دولتی و مردمی را مشاهده کرد که به فراخور نیت و اهداف و نحوه‌ی حمایت، فرآیند برپایی آثار، تفاوت‌هایی را در مسیر اجرایی به خود می‌دیدند.

اما در سوی دیگر، برای درک معمار و منزلت کار ایشان، باید به جایگاه و شأن «معماری» در تاریخ اجتماعی ایران نگاه کرد. در اکثر منابع تاریخی، از سیاست‌نامه‌ها و پندنامه‌ها تا آثار ادبی و عرفانی، در باب موضوع عمران و آبادانی که در سایه توجه به امر معماری محقق می‌شد، گزارش‌های فراوانی آمده است و اکثر نویسندگان و فیلسوفان و عرفای تاریخ اسلام، از «نظام‌الملک» تا «غزالی» و «رشیدالدین» و حتی «نجم‌الدین رازی»، در کتاب خویش به مقوله‌ی معماری و آبادانی و عمارت و زراعت پرداخته‌اند. بالاین‌حال، آن‌چنان‌که به اهمیت امر معماری در کتب مختلف پرداخته شده است، به پیشه‌وران، یعنی معمار و مهندس و بنا، چنان‌که باید توجه نشده است. در اکثر این متون، مقوله‌ی معماری، امری دانسته شده است که در پرتوی سیاست درست حکومت، رونق و نام نیکو را به‌همراه خود می‌آورده است؛ و امرا و مباشران و کارگزاران دولتی، از بخش‌های جدایی‌ناپذیر امر «عمارت و زراعت» محسوب می‌شدند که موظف به نظارت بر امور معماری بودند. هرچند در این متون از جنبه‌های مختلف توجه به امر معماری سخن رفته است، از جمله: حامی، ناظر، کارگزار، نحوه‌ی مساعدت با مردم در امور زراعت و عمارت و غیره، اما با نوعی غیبت سخن از نقش معماران و مهندسان در آن‌ها روبه‌رو هستیم. در کنار این مباحث، بررسی و تحلیل آن بخش از تاریخ‌نگاری مورخان اسلامی که به ثبت گزارش آثار معماری پرداخته‌اند، می‌تواند راهگشایی دیگر در بررسی معمار و معماری در تاریخ اجتماعی ایران باشد. در ثبت و گزارش برپایی یک اثر و یک بنا، مورخ چه جنبه‌ها و مؤلفه‌هایی را ثبت کرده و یا بر آن تأکید داشته و کدام بخش دارای اهمیت کمتری بوده است. زمانی که در برپایی یک بنا، مورخ از بانی و حامی و هنرمندانی که در آن مشارکت داشتند و هم‌چنین نحوه‌ی توصیف بنا و گزارش از قسمت‌های مختلف آن، مطلبی را ثبت کرده است، کنار هم قرار دادن آن‌ها و تحلیل‌شان می‌تواند جنبه‌ای متفاوت از موضوع معمار و معماری را برای ما روشن کند.

در تاریخ معماری ایران در عصر اسلام، به‌طور معمول، مساجد، مدارس، مقابر و کاخ‌ها و بازارها، ارکان اصلی و اساسی یک شهر را تشکیل می‌دادند. اما به‌طور غیرقابل‌انکاری، بخش مهمی از جریان معماری ایران، به‌ویژه از سده‌ی پنجم به این‌سو را، خانقاه و مزار و بناهای صوفیه تشکیل می‌دهد. طیف وسیعی از جامعه‌ی ایران و جریان‌های سیاسی

و اجتماعی و گاه اقتصادی در پیوند با خانقاه و صوفیه شکل گرفت و به تبع این امر، باید برای شناخت بخش بزرگی از معماری این سرزمین، به مقابر و مزار و خانقاه رجوع کرد. همین مسئله، این سؤال را هم به همراه دارد که ساخت مزارها و خانقاه‌ها، به دست چه گروه از معماران و سازندگانی انجام می‌شد؟ در کنار این مباحث، در منابع تاریخی با اسامی بناهایی روبه‌رو می‌شویم که هرچند مکرر از آن‌ها نام برده شده است، اما امروزه در تاریخ‌نگاری معماری ایران، آن‌ها غایب‌اند و به‌ویژه در تحلیل شهرسازی و شهرنشینی، هیچ جایگاهی به آن‌ها اختصاص نداده شده است و با تمرکز صرف بر بناهای شاخص، از آن‌ها غفلت شده است.^{۱۵} بازخوانی نقش خانقاه و بناهای فراموش‌شده در تاریخ‌نگاری معماری اسلامی ایران و سهم و جایگاه آن‌ها در زندگی و آداب و رسوم مردم، جزء جدایی‌ناپذیری برای شناخت معماری این سرزمین است که می‌تواند از جنبه‌های کمتر گفته‌شده در تاریخ و معماری پرده بگشاید.

این پژوهش در پی جست‌وجوی پاسخ‌هایی برای پرسش‌های مطرح‌شده در سطور پیشین است. عنوان «تاریخ اجتماعی» در این کتاب، اشاره‌ای است به مطالعه و بررسی حوزه‌های وسیع و گوناگونی از لایه‌های یک موضوع. درواقع، این پژوهش سعی بر آن دارد تا در فرآیند و بررسی موضوع معمار و معماری، و تا آن‌جا که امکان دارد، جنبه‌های خرد و کلان آن‌ها را در کنار هم قرار دهد و تصویری حقیقی‌تر از آن‌ها به نمایش بگذارد. هرچند در نگاه برخی محققان، تاریخ اجتماعی تعریف و مرز مشخص ندارد و اختلاف آرای فراوانی بر دایره‌ی شمول، ماهیت و مبانی و خاستگاه آن وجود دارد. منابع تاریخ اجتماعی بسیار متنوع است و مطالب گوناگونی چون گزارش‌های رسمی، اسناد حقوقی، جراید، کتابچه‌ها، موضوع‌های هنری، پوسترها، آثار ادبی و غیره را در برمی‌گیرد. یک عنوان که به تاریخ اجتماعی به علت تنوع کیفی و کمی داده‌شده است، «تاریخ اجتماعی بدون طرح»^{۱۶} است. این عنوان اشاره‌ای است به گستردگی دامنه‌ها و حوزه‌های پژوهش تاریخ اجتماعی.^{۱۷} درواقع، تاریخ اجتماعی به معنای نوشتن تاریخ درباره‌ی تمام چیزها و تمام عرصه‌ها است.^{۱۸} بدین‌سان، کتاب پیش رو در پی آن است که موضوع «معمار» و «معماری» را در عرصه‌ی وسیع‌تری مورد واکاوی قرار دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این پژوهش، زمانی که به این عناوین اشاره می‌شود، در مرتبه‌ی نخست، در اشاره به ایشان در متون و منابع تاریخی است و کتیبه‌ها چندان در این دسته‌بندی قرار ندارند. منابع زیر به این اسامی و عناوین چه در متون و چه ثبت‌شده در کتیبه‌ها، پرداخته‌اند: ایرج افشار، «مقدماتی درباره‌ی تاریخ معماری در ایران بر اساس متون فارسی»، هنر و مردم، ش ۱۷۳، ۲-۵؛ یحیی ذکا، «معماران و استادکاران دوره‌ی اسلامی»، معماری ایران، دوره‌ی اسلامی، به کوشش محمدیوسف کیانی، ۴۲۵-۴۴۷؛ منوچهر ستوده، «هنرمندان دوره‌ی اسلامی»، همان، ۴۴۸-۴۵۸؛ دونالد ویلبر، «معماران و استادکاران دوره‌ی اسلامی»، ترجمه‌ی کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، همان، ۴۱۵-۴۲۴؛ ایرج افشار، «شهرآشوب پیشه‌های ساختمانی»، نامگانی استاد علی سامی، به کوشش دکتر محمود طاووسی، ج ۱، ۳۳۳-۳۳۷؛ برنارد اوکین، معماری تیموری در خراسان، ۸۴-۹۴.
۲. نک: هایدل لاله، معماران دوره‌ی اسلامی، دانش نظری و کاربرد عملی آن. وقف میراث جاویدان. ش ۳-۴.
۳. در گفتارهای این کتاب و به‌ویژه گفتار اول، به این عناوین پرداخته‌شده است. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، ج ۲، ۳۳۹؛ رشیدالدین فضل‌الله، تاریخ مبارک غازانی، به اهتمام کارل یان، ۲۰۷-۲۰۸؛ وصاف‌الحضره، تاریخ وصاف در احوال سلاطین مغول، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، بمبئی، ۲۸۳؛ عبدالحمید آیتی، تحریر تاریخ وصاف، ۱۲۰.
۴. کتبی چون: آیین شهرداری اثر ابن‌اخوه و یا سلوک‌الملوک نوشته‌ی روزبهان خنجی، خبر از وجود قوانین شرعی و عرفی به نسبت سخت‌گیرانه در حوزه‌ی معماری می‌دهند که ناظرانی برای نظارت بر این قوانین از سوی دولت انتخاب می‌شد. در گفتار اول کتاب به این موضوع پرداخته‌شده است.
۵. در برخی منابع تاریخی، می‌توان ردی از معمارانی که سلوک و طریقت درویشی و عرفانی را داشتند، دید که در این کتاب به آن‌ها پرداخته‌شده است. اسامی این افراد که به‌ندرت از آن‌ها در متون یادشده است دربردارنده‌ی جایگاه اجتماعی متفاوت و منش و طریقت متفاوت با منش و طریقت فقیان و اهل فتوت که دارای رساله و آموزش مختص خود بودند، بوده است.
۶. مهارت و چیره‌دستی
۷. استوار داشتن و برافراشتن
۸. پابرجا کردن
۹. نک: نظام‌الدین شامی، ظفرنامه، با مقدمه و کوشش پناهی سمنانی، ۲۱۱-۲۱۲؛ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، به کوشش محمد عباسی، ج ۱، ۵۷۱؛ ج ۲، ۳۸۵-۳۸۶؛ و سایر متون این دوره چون: حافظ ابرو، زبده‌التواریخ، مقدمه و تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جواد، ج ۱، ۳۹۰؛ خواندمیر، مآثرالملوک به‌ضمیمه‌ی خاتمه‌ی خلاصه‌الخبار فی احوال الاخیار و قانون همایونی، به تصحیح میر هاشم محدث، ۱۸۷.
۱۰. نک: هایدل لاله، همان، ۴۱.
۱۱. پیشوا و مقتدا
۱۲. برای قوام‌الدین نک به دو مقاله‌ی: ویلبر، قوام‌الدین شیرازی، ترجمه‌ی هدیه نوربخش، گلستان هنر، ش ۱۳، ۷۴-۸۳؛ گلچینی عارفی، استاد قوام‌الدین شیرازی: معمار افسانه، گلستان هنر، ش ۱۶، ۷۹-۸۵ در این مقالات، برداشت و تفسیری یک‌طرفه و یک‌جانبه‌ای از سوی مؤلفان نسبت به قوام‌الدین شده است و بدون توجه به سیاق و شرایط اجتماعی و منزلت معمار و معماران، تصویری نادرست از شخصیت قوام‌الدین و جایگاه وی در دوره‌ی تیموری ترسیم‌شده است.

۱۳. این مبحث در گفتار چهارم دنبال می‌شود. تاکنون دو رساله درباره‌ی بنایان به چاپ رسیده است. هرچند در باب یکی از آن‌ها و صحت تاریخی رساله، شک و شبهه‌هایی وجود دارد، باین حال، وجود رساله و مرام‌نامه‌ای برای بنایان، این مبحث جدال‌آمیز را مطرح می‌کند، که بنایان و معماران اهل فتوت چه کسانی بودند و چه رابطه و پیوندی با سایر معماران و بنایان جامعه‌ی روزگار خویش که اهل فتوت نبودند، داشتند؟ آیا در آموزش و یا در شأن و احترام به آن‌ها تفاوت‌هایی بوده است؟

۱۴. نک: شهر آشوب سعد سلمانی، شهر آشوب مهستی گنجوی، شهر آشوب مولانا لسانی شیرازی، شهر آشوب سیدای نسفی، شهر آشوب وحیدالزمان قزوینی و غیره.

۱۵. به‌طور مثال، در کتبی چون «معماری اسلامی» نوشته‌ی رابرت هیلن‌برند، یا در کتبی که به شهرسازی و شهرنشینی در ایران پرداخته‌اند، صرفاً بر بناهای شاخصی چون مسجد، مدرسه، مقابر، بازار تأکید شده است. به‌ویژه در کتاب‌هایی که قصد تحلیل و بررسی شهرسازی و شهرنشینی در دوران اسلامی دارند، بناهای مطرح و برجسته به‌عنوان عناصر تفسیر ایشان برای شناخت شهر بکار می‌رود.

16. Unschematic social history

۱۷. این عنوان اشاره‌ای است به گستردگی دامنه و حوزه‌های پژوهش تاریخ اجتماعی. تعداد مورخان اجتماعی بسیار کمی به تبیین جنبه‌های روش‌شناسانه برای آن پرداخته‌اند. اما هنوز هیچ‌کس متن قابل‌توجهی درباره‌ی اصول روش‌شناسی تاریخ اجتماعی و تکنیک‌ها، مفاهیم، نظریه‌ها و شیوه‌ی دستیابی به اطلاعات را پدید نیاورده است. باین حال، به ظن بسیاری از مورخان این حوزه، تاریخ اجتماعی نه یک روش که یک جریان بسیار وسیع است که به‌صورت نوعی تاریخ ترکیبی عمل می‌کند و با دیدگاه جامعی، مقوله‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌دهد تا از طریق حوادث نه صرفاً سیاسی، به تاریخ‌نگاری اقدام نماید. هدف این کتاب و این پژوهش هم نوعی نگاه ترکیبی و وسیع به حوزه‌ی معمار و معماری است.

۱۸. برای تاریخ اجتماعی نک: اریک هابسبام، درباره‌ی تاریخ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی؛ حسن زندیه، تاریخ اجتماعی، تاریخ اسلام، ش ۴۵-۴۶؛ تورج اتابکی، تاریخ اجتماعی نگاه از پایین، کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۷۱-۷۲؛ تورج اتابکی، مورخان و تاریخ اجتماعی، کتاب ماه و تاریخ جغرافیا، ش ۷۳؛ مایکل استفورد، درآمدی بر فلسفه‌ی تاریخ، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی؛ پیتر برک، تاریخ و نظریه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی غلامرضا جمشیدی‌ها؛ ابراهیم موسی‌پور، تاریخ اجتماعی رویکردی نوین به مطالعات تاریخی، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۶؛ حسین‌علی نوذری، فلسفه‌ی تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری.

Fairburn, Miles 1999. Social History, problems, Strategies + methods, New York, St. Martin's press:

Tilly, Louise 1980. Social History and its critics, Published in university of Michigan: Samuel, Ra-

phael 1985. what is Social History? Published in history today, volumes 35, issue 3.

گفتار اول



جایگاه و شأن اجتماعی
معمار - مهندس
در تاریخ ایران

بررسی و تحلیل نقش و تأثیر معماران در مسیر ساخت آثار معماری و جایگاه و ارزشی که امر معماری در سیاق اجتماعی خود داشته است و همچنین نقش بانیان و حامیان، اهمیتی کلیدی برای شناخت جنبه‌های مغفول تاریخ معماری ایران دارد. یکی از موضوعات بسیار مهم که در تاریخ‌نگاری معماری اسلامی ایران کمتر موردعنایت و توجه پژوهشگران قرار گرفته، جایگاه اجتماعی معمار و نقش و ارتباط وی با حامیان و بانیان در مسیر ساخت یک اثر معماری است. بی‌اعتنایی و عدم توجه به پیچیدگی‌هایی که در حلقه‌ی ساخت‌وساز یک اثر وجود دارد، سبب شده تا اکثر مباحث تحریر شده در تاریخ‌نگاری معماری ایران در دوره‌ی اسلامی، تبیینی یک‌طرفه و تک‌بعدی بر ابعاد معرفتی آن تحمیل کند. درواقع، توجه به و مطالعه‌ی بناها که آخرین مرحله از فرآیند یک ساخت‌وساز است، موجب غفلت در باب بسیاری از مسائل دخیل و مؤثر دیگر بر آن‌ها شده است. ازاین‌رو، این سؤالات در این‌جا مطرح می‌شود که در یک اثر تاریخی که به‌عنوان آخرین بخش یک مسیر ساخت‌وساز معماری در برابر پژوهشگر قرار گرفته است، چه ارکان و عواملی در اجرا و برپایی آن دخیل بوده است؟ و نقش معمار و بانی و حامی در آن تا چه حد بوده است؟ معمار تا چه اندازه اختیار تصمیم‌گیری در باب امور را داشته بود؟ حامیان و بانیانی که مشوق برپایی بناها بودند، از چه جنس و چه گروهی و دارای چه اختیاراتی بودند؟

بی‌گمان بخش مهمی از شناخت تاریخ معماری اسلامی ایران را اسناد دیوانی و متون تاریخی تشکیل می‌دهد. این اسناد با توجه به این‌که در تدوین و تألیف خود از صحت و دقت تاریخی به نسبت بالایی برخوردار است؛ می‌توانند در بسیاری موارد از اصناف و

پیشه‌ها و شأن اجتماعی گروه‌های یک دوره‌ی تاریخی، اطلاعات ارزنده‌ای را بدهند. باین‌حال، باید این نکته را در نظر داشت که هرچند بسیاری از متون، توصیف‌ها و گزارش‌های قابل تأمل و ارزشمندی را از نقش و مشارکت و حضور معماران و مهندسان در برپایی عمارات ارائه می‌دهند. ولی این توصیفات یا با اغراق همراه است و یا به دلیل آن‌که عناوینی چون «معمار» و «بنا» و به‌ویژه «مهندس» یک نوع دلالت و تعبیر عمومی برای افراد متبحر در حوزه‌ی هندسه و مساحی و برپایی ساختمان‌ها به‌شمار می‌رفتند و با توجه به این‌که این متون توسط افراد متخصص در این زمینه و حوزه نوشته نشده است، گاه کار تحلیل و تفسیر این عناوین برای پژوهشگر دشوار می‌شود.

۱. بازخوانی نقش و جایگاه اجتماعی معمار و مهندس در تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی

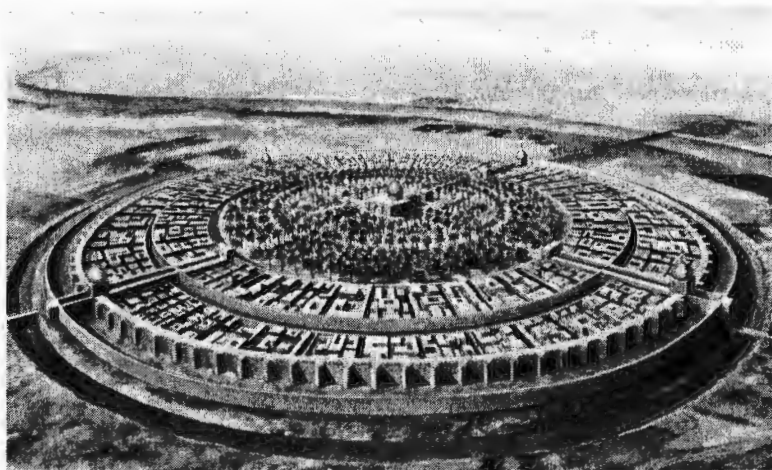
قبل از ورود به مبحث جایگاه و شأن معمار و مهندس در تاریخ اسلامی ایران، بازخوانی چند گزارش از کتب مختلف دوران اسلامی، قرون سوم تا دهم هجری، از بابت چند جنبه، چون درک عناوین معمار و مهندس، نحوه‌ی تعامل و همکاری ایشان در برپایی آثار معماری، می‌تواند کمک شایانی به درک بهتر بحث ما بکند. یعقوبی در کتاب خویش، «البلدان»^۱، در یکی از نخستین توصیف‌ها در باب ساخت شهر بغداد (که وسط دنیا و ناف زمین بود)، از حضور معماران، مهندسان، بنّایان، منجمان و «اصحاب حساب» گزارشی آورده است. وی می‌نویسد: «سپس برای فراخواندن مهندسان و معماران^۲ و کسانی که به علم پیمودن و مساحت کردن و تقسیم نمودن اراضی آشنایند مأمورانی گسیل داشت تا آن‌که گرداگرد شهر خود معروف به مدینه‌ی ابی‌جعفر را خط برکشید و نقشه‌ی آن را طرح کرد؛ و معماران و کارگران و صنعت‌گران، از درودگران و آهنگران و مقنّیان را فراخواند و چون فراهم شدند و کامل گشتند، حقوق‌شان را معین کرد و مزدشان را برقرار ساخت و به هر سرزمینی نوشت تا از کسانی که به چیزی از کارها ساختمانی آشنایی دارند، هر که را آن‌جا است، روانه سازند و در نتیجه صدهزار از اصناف کارگران و صنعتگران نزد وی فراهم آمدند»^۳.

در اکثر متون دوره‌ی اسلامی، معماران و مهندسان در کنار یکدیگر ذکرشان آمده است^۴ و چنان‌که در مباحث بعدی به این موضوع پرداخته خواهد شد، در طبقه‌بندی اصناف و مشاغل در برخی از دوران اسلامی ایران چون دوره‌ی ایلخانی، به صنفی بنام صنف «معماران و مهندسان» برمی‌خوریم.^۵ در گزارش یعقوبی، از وظیفه‌ی دقیق

معماران و مهندسان مطلب آن چنانی را نمی‌توان استنباط کرد؛ باین حال، به نظر می‌آید که علم پیمودن و مساحت کردن و تقسیم نمودن اراضی، مختص به این صنف و این اشخاص بوده است. چنان که آمده است: «و کسانی که به علم پیمودن و مساحت کردن» آشنا بودند، فراخوانده شدند و این خود گواه این است که نه تنها بنایان و مهندسان، بلکه سایر مشاغلی که در زمینه‌ی ساختمانی تبحری داشتند، احتمالاً از این علم و دانش آگاه بودند. در کنار این موارد، ذکر واژه‌ی «صنف و اصناف»، خبر از وجود گروه‌های سازمان‌یافته نه تنها برای این مشاغل بلکه صنعت‌گران و حرف دیگر می‌دهد که دارای ساختار و قانون‌های خاص و تعریف‌شده‌ی خود بودند. چنان که درجایی یعقوبی می‌نویسد: «و هر صنفی از صنعت‌گران نیز با صنفی غیر خود آمیخته نمی‌گردند و هر بازاری جدا است و هر صنفی از کسبه تنها به کار خود مشغول‌اند و هر دسته‌ای از صنعت‌گران از غیر صنف خود جدا و برکنارند».^۶

در ادامه‌ی گزارش ساخت شهر بغداد،^۷ یعقوبی به توصیف بناها و فضاهای شهر و نحوه‌ی ارتباط آن‌ها با یکدیگر و جاگیری هر یک از عمارات می‌پردازد. وی سعی دارد به‌نحوی از جاگیری آن‌ها در کنار هم گزارش دهد که این مطلب را به مخاطب القا کند که نحوه‌ی ترسیم و اجرای شهر، کاملاً بر طبق اصول مهندسی بوده است. هم‌چنین از هفت شخص برجسته‌ی این طرح اسم می‌برد که مسئولیت طراحی و اجرا و نظارت آن را بر عهده داشتند. یعقوبی می‌نویسد: «مهندسين آن عبارت بودند از: عبدالله بن محرز، حجاج بن یوسف و عمران بن وضاح و شهاب بن کثیر، با حضور نوبخت و ابراهیم بن محمد فرازی و طبری که منجم و اهل حساب بود».^۸ در ادامه‌ی گزارش، سخن از نظارت مهندسان بر هر بخش از محله‌ها و کوی‌های شهر است: «محله‌های بیرون باره را چهار بخش کرد و سرپرستی هر بخشی را در عهده‌ی مردی از مهندسان قرار داد؛ و در هر محله به مساحتی که به هر صاحب قطعه‌زمینی می‌رسد و آن‌چه برای ساختن بازارها به کار است، به صاحبان بخش‌ها زمین داد».^۹ حساسیت کار به‌نحوی بوده است که همراه هر مهندس و یا گروهی از صنعت‌گران، ناظری درباری و حکومتی گذاشته شده بود و درواقع، مجموعه کارهای اکثر صنعت‌گران و کارگران و مهندسان و معماران تحت نظارت اشخاص برجسته‌ی حکومتی انجام می‌شده است. در متون مختلف از دوره‌ها و برهه‌های گوناگون، شواهدی بسیاری را می‌توان آورد که نشان می‌دهد در طرح‌ها و اجرای ساختمان‌ها و بناها و یا شهرها، خود دستگاه حکومتی و حاکمان و مباشران نزدیک ایشان، مستقیماً نظارت و دخالت داشتند. چنان که بیهقی در

کتاب خویش از نظارت و ترسیم برخی از عمارات توسط شخص «مسعود غزنوی» خبر می‌دهد: «و کوشک مسعودی راست‌شده بود، چاشت‌گاهی برنشست و آن‌جا رفت و همه بگشت و به استقصا^{۱۱} بدید و نامزد کرد خانه‌های کاردان را و وثاق‌های^{۱۲} غلامان سرایی را و دیوان‌های وزیر و عارض و صاحب دیوان رسالت و وکیل راه، پس به کوشک کهن محمودی بازآمد. و مردم به‌شتاب در کارها افتاد و هر کس جای خویش راست می‌کرد و فراشان جامه‌های سلطانی می‌افکندند و پرده‌های می‌زدند. و چنین کوشک نشان ندهد هیچ‌جای و هیچ پادشاه چنین بنا نفرمود. و همه به دانش و هندسه‌ی خویش ساخت و خطاهای او کشید به‌دست عالی خویش که در چنین ادوات خصوصاً در هندسه آیتی بود».^{۱۳} یا در کتاب «روضه‌الصفای خواندمیر با موارد متعددی روبه‌رو می‌شویم که در گزارش از ساخت بناهای زمان تیمور، وی [تیمور] شخصاً در اجرا و نظارت و گاه ارانه‌ی نقشه، دخالت داشته بود و حتی نوع مصالح و نقش و ابعاد عمارات را تعیین و مشخص می‌کرد. چنان‌که خواندمیر در گزارش تعمیر مقبره‌ی «خواجه احمد یسوی» توسط تیمور می‌نویسد: «و فرمان واجب‌الاذعان نفاذ یافت^{۱۴} که بر سر مزار او دارالانوار و عمارتی وسیع و رفیع طرح اندازند. و برحسب فرموده، طاقی بنیاد نهادند به‌غایت بلند و منار و گنبدی مربع سی‌گزی و در دو طرف گنبد در چهار صفه دیگر دوازده‌گزی در دوازده‌گزی و چهار صفه دیگر با حجرات و فرمان شد مقبره‌ی سنگی سفید در غایت تکلف بتراشند و نقوش قریب و بدیع در آن بنگاشتند و فرمود مولانا عبدالله صدر در اتمام آن



۱. طرح فرضی شهر بغداد

اهتمام نماید.^{۱۴} یا «حافظ ابرو» در جلد یک کتاب خویش با عنوان «زبدہ التواریخ» در مطلبی جهت شرح خصایص و اخلاقیات تیمور و در گزارش ساخت «مسجد جامع سمرقند» آورده است: «چنین عمارتی عالی به اندک فرصتی به نام و القاب همایون مزین و موشح^{۱۵} شد و به میامن رأی شهنشاهی چنین بقعه‌ی متبرک که بر صفحات روزگار سمت تخلید^{۱۶} و تأیید یافت، نزهت‌جای اهل صفا و مهبط اجابت دعا گشت... از دأب^{۱۷} امیر صاحب‌قران آن بود که هرگاه بنیاد عمارت نهادی آن را به چند حصه^{۱۸} گرداندی و مخدوم زادگان و امرا و ارکان دولت را هر یک بر حصه‌ای داروغه فرمودی تا به تعصب یکدیگر کار فرمودندی و هر شب چند کثرت^{۱۹} استخبار^{۲۰} نمودی تا کدام حصه بیش جهد می‌نماید. اگر کار کسی پیش‌رفته بود، انعام و تحسین و سیورغال^{۲۱} فرمودی و اگر پس‌مانده بودی، بازخواست و توبیخ و سرزنش نمودی. والعجب چیزی چند در معماری به خاطر مبارکش می‌گذشت که أستاذان فن را هرگز به‌خاطر و ضمیر درنیامده و ندیده بود.»^{۲۲}

این گزارش‌ها و موارد بسیار دیگری که می‌توان در متون تاریخ اسلام از آن شاهد آورد، گواه این مطلب است که بسیاری از معماران و مهندسان در فرآیند یک ساخت‌وساز، گاه آن چنان تأیید و اعتباری برای اجرای کار نداشتند و صرفاً مطیع امور و فرامین شخص حاکم و یا مباشران خاص وی بودند که بر کار آن‌ها نظارت می‌کردند. باین‌وجود، در برخی برهه‌های تاریخی نام اشخاص و افرادی از معماران و مهندسان را داریم که به دلایل مختلف، این امکان را داشتند تا در فرآیند برپایی یک عمارت به‌طور مستقیم انجام کلیه یا برخی از امور کار را بر عهده بگیرند. نکته‌ی دیگر که باید از آن یاد کرد، این مطلب است که در این متون و گزارش‌ها تعدد و تکرار واژه‌ی مهندس و مهندسان بر معمار و معماران تا حدی غلبه دارد.

در عصر صفوی با انتخاب شدن اصفهان به‌عنوان سومین پایتخت این سلسله، مجموعه ساخت‌وسازهای بزرگ و کوچکی در این شهر صورت گرفت. ساخت مجموعه‌ی میدان نقش‌جهان و خیابان چهارباغ از اصلی‌ترین کارهای عمرانی در شهر اصفهان محسوب می‌شد. در توسعه‌ی شهر، مهندسان و معماران و بنایان زیادی مشارکت داشتند که طرح خیابان‌ها، باغ‌ها، بناهای دولتی و خصوصی و جزییات ساختمان‌ها چون فواره‌ها، حوض‌خانه‌ها و غیره همگی به‌دست ایشان انجام گرفت. گزارشی که متون این دوره از نحوه‌ی ساخت و برپایی این بناها آورده‌اند، از همکاری خیل عظیمی از مهندسان و معماران خبر می‌دهد که از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین جزییات را اجرا می‌کردند و آگاه

به امور گوناگونی چون ساخت نهرها و مادی‌ها و جوی‌ها تا برپایی و اجرای باغ و نقشه کوشک‌ها و کاخ‌ها بودند. «منجم یزدی» در «تاریخ عباسی» آورده است: «و در این سال [۱۰۰۶ هـ] نهری عظیم از زاینده‌رود جدا کردند و به باغ عباس‌آباد آوردند و از آن جا به کل باغ‌ها جاری ساختند... و در اواخر شعبان این سال، به ساختن حوض‌خانه، مشتمل بر چهار صفه و چهار حجره و حوض بزرگی در میان و در یک صفه یک نفرندگان [؟] و یک نفردیک کان [؟] و حوض به جهت طبخ اشربه.^{۲۳} و نهایت صفه‌ها به پنجره‌ی بزرگ عالی که بر تختی که به باغ ناظر بود و بالای حوض‌خانه‌ها، عمارات عالی‌ه مصور خوش‌طرح امر فرمودند؛ و چون در ذی‌حجه این سال به اتمام رسید، به جهت تاریخ آن، چند بیت به نطق دربار خود فرمودند». ^{۲۴} مشابه این گزارش را «حسن جنابادی» در «روضه‌الصفویه» آورده است: «و چون نهر زنده‌رود در وسط حقیقی این خیابان واقع است، به امر پادشاه زمان، مهندسان نادره‌کار و استادان مهندس، آثار قنطره^{۲۵} رفیع‌بلند مقدار در نهایت رصانت^{۲۶} به قدر عرض خیابان بر نهر زنده‌رود کشیدند؛ و اهتمام ساختن آن به عهده‌ی رکن‌الدوله الله ویردی‌خان قوللر آقاسی، والی فارس نمودند». ^{۲۷} در شرح منجم یزدی و جنابادی، از مهندسانی یادشده است که موظف به اجرای پل و ایجاد نهر برای آب‌رسانی به بخش‌های مختلف شهر بودند. درواقع، آشنایی به امور آبیاری و تقسیم آب و جوی و مادی از مهم‌ترین علوم ضروری برای مهندسان محسوب می‌شد که در مبحث بعدی در باب رابطه‌ی مهندس و دانش آبیاری، به این موضوع پرداخته خواهد شد.

در ادامه‌ی گزارش، منجم یزدی از مهندسی یاد می‌کند که از مهندسان خاصه‌ی [دربار] شاه‌عباس محسوب می‌شد و چنان در اجرای طرح و برپایی عمارت و بناها تبحر داشت که از بزرگان عصر و پیشه‌ی خودش به‌شمار می‌رفت. «نواب کلب آستان علی [شاه‌عباس] را مهندسی بود صاحب بصیرت و طراحی بی‌سیرت [مانی سیرت] و مهارت در طرح عمارت مرتبه‌ای داشت که مهندسان سرکوجه‌ی هنرمندی و مصوران کارخانه نقش‌بندی و معماران نامدار در طرح نقوش بدایع نگارش اقرار به عجز می‌نمودند؛ و در این سال که معمار همت‌عالی همتش طرح عمارتی فرموده بودند که تا بنای عالم است، هیچ بنا مثل آن نشده بود؛ ازجمله میدانی که در دولت‌خانه است و دورش نهری عظیم بود موشج^{۲۸} به چنار و بید و بسیار به صفا، چنان‌چه سیرگاه خلایق و نشیمن‌گاه مخالف و موافق است. و در دور آن، دورویه بازاری مشتمل بر دکاकिन وسیع با سقف و بسیار رفیع و راهروی که دو شتر کجاوه باردار از هم گذرند که آسیب به هم نرسانند؛ و قهوه‌خانه‌ها و قیصریه و کاروان‌سرای بسیار بزرگ و تیمچه‌های بس به طرح و حمامات و دیگر

کاروان سراها در اطراف بازار به اتمام رسیده».^{۲۹} این گزارش، خبر از وجود مهندسان مخصوص دربار که در خدمت مستقیم شاهان صفوی بودند، می‌دهد. جدا از این موارد، گزارش در ادامه نشان می‌دهد که چگونه طرح و اجرای یک سیستم ساخت‌وساز شهری توسط گروه‌های مختلف هنرمندان صورت می‌گرفت.^{۳۰} در باب حضور دیگر صنعت‌گران و استادان سایر هنرها در کنار معماران و مهندسان در اجرای این طرح عظیم شهری، منجم یزدی می‌نویسد: «و از جمله [آثاری که معمار یادشده ساخت] چهار صفا‌ای در جنب حرم ساختند، مشتمل بر سه حوض فواره‌دار، یکی در وسط حقیقی و دیگر در جانب غرب، مشتمل به دکانی که انواع اطعمه‌ی لذیذ و اقسام مطبوخات^{۳۱} اشتهاانگیز، زیاده از آن که در حوصله‌ی خیال گنجد، قاصره. و دیگر در چپ، بر دکانی که انواع حلویات و اقسام مربیات و اصناف تنقلات. استادان شیرین‌کار به صحن روزگار می‌آوردند و بالاخانه‌های زرنگار که مصوران روزگار بدایع‌نگار به دعوی یکدیگر در دیوار رفیع مقدارش نقش‌های غریب و صورت‌های شبیه عجیب منقش و مصور ساخته، مجالس بزمش به تمثال جوانان حورمثال ساخته. و جمعه پانزدهم صفر ختم بالخیر و الظفر، به جهت اسباب و آلات و مصالح بنا مسجد جدید که در اصفهان می‌ساختند، به استادان بنا و سنگ‌تراش و سنگ‌بر و فعله دوهزار تومان دادند و مقرر شد که چون شروع به بنا شود، مصالح حاضر باشد».^{۳۲}

منجم یزدی، نام و ذکر از استادان و معماران و مهندسانی که در خدمت دربار بودند و یا در اجرای این طرح شهری همکاری داشتند، نیاورده است. تنها اسمی از شخصی بنام «استاد بدیع‌الزمان تونی‌الاصل یزدی المولد» آورده است. زمانی که قرار بود مسجد جامع عباسی طرح انداخته شود، مقرر بود که زمین‌ها و خانه‌های اطراف مسجد را بخرند، اما شخصی از مالکان این خانه‌ها، راضی به فروش ملک خویش نبوده است. به نظر می‌آید گزارش عملیات ساخت و اجرا و پیشرفت و خرید زمین‌های اطراف مسجد توسط همین بدیع‌الزمان تونی باید به عرض شاه رسانده می‌شد. منجم یزدی می‌نویسد: «و خانه‌های نادرالعصری، مولانا میر علی ثانی، آن که اسمش با خوش‌نویسی عهد موافق است، اعنی ملاعلی، به مبلغ سیصد تومان خریدند. چون حکم جهان‌مطاع عالم‌مطیع شد که خانه‌های مولانای مذکور خریده، مسجد جامع بسازند، چون طرح مسجد کشیده شد، خانه‌ی پیر زالی که در روز عید قربان شتری که قربان می‌کردند به خانه او می‌رفتند، در میان مسجد واقع شد و در نفروختن خانه بسیار مجد بود و هرچند تطمیع^{۳۳} او به زر و خلعت کردند، راضی نشد. نادرالعصر و الزمان، استاد بدیع‌الزمان تونی‌الاصل یزدی المولد که در خدمت

اشرف به امر معماری مشغول بود، حقیقت طرح مسجد و خانه‌ی پیر زال به عرض اشرف رسانید. نواب کلب آستان علی فرمودند او را تسلی کنید و بی‌رضای او دست به خانه‌ی او نکنید».^{۳۳} درواقع، با استناد به این گزارش می‌توان گفت در طی ساخت‌وسازها و برپایی و اجرای بناها و طرح‌اندازی ساختمان‌ها، معمار و یا احتمالاً مهندسانی در مقام ناظر و نماینده‌ی شاه، مجموعه پیشرفت و گزارش فرایند کار را به خدمت وی ارائه می‌دادند.^{۳۴} «اسکندریبگ» منشی هم در کتاب خویش بانام «عالم‌آرای عباسی» در باب ساخت خیابان چهارباغ از معماران و مهندسانی یاد می‌کند که این طرح را اجرا کردند: «و ایام بهار، عمارات عالی در نقش‌جهان طرح انداخته، معماران و مهندسان در اتمام آن می‌کوشیدند و از درب شهر، یک دروازه در حریم باغ نقش‌جهان واقع و به درب دولت موسوم است؛ از آن‌جا تا کنار زاینده‌رود، خیابانی احداث فرموده چهارباغی در هر دو طرف خیابان و عمارات عالی در درگاه هر باغ طرح انداختند». هر یک از امرا و اعیانان دولتی به ساخت باغ‌ها و کوشک‌های این خیابان با همکاری معماران و مهندسان مشغول شدند: «القصة هر کس از امراء و اعیان و سرکاران عمارات به وقوف معماران و مهندسان شروع در کار کرده در انجام آن سعی گشتند و از آن تاریخ تا حال که سنی هجری به خمس و عشرین و الف رسیده و این شگرف‌نامه تحریر می‌یابد، عمارات باصفا و باغات دلگشا به‌نوعی که طرح کارخانه‌ی ابداع در عرصه‌ی ضمیر مبارک اشرف طرح افکنده بود، به حیز ظهور آمده در کمال لطافت و نهایت خوبی اتمام یافت. درختان سر به فلک افراشته و اشجار میوه‌دارش گویی به طوبی جنان پیوند دارد».^{۳۵}

در شرح و توصیف چگونگی ساخت میدان و بناهای آن، شرح اسکندریبگ موضوع قابل‌تأملی را نشان می‌دهد. به نوشته‌ی وی، در ابتدا جهت ساخت مسجد جامع عباسی، طرح و نحوه‌ی جهت‌گیری آن، با همکاری منجمان و مهندسان و معماران بر روی زمین کشیده شده و سپس اقدام به حفر (احتمالاً برای پی) طرح مذکور کردند. «بعد از ملاحظه‌ی اطراف میدان نقش‌جهان، جانب جنوبی میدان را که خانی بزرگ در آن‌جا ترتیب‌یافته بود، اختیار فرمودند و عمارت خان مذکور را کنده، در ساعت سعد که اهل تنجیم^{۳۶} از زایچه‌ی طالع میمون و همایون استخراج نمودند، معماران حاذق و مهندسان مدقق که در اعمال هندسی و دقایق کار هر یک چون مرکز پرگار، دم از تفرد و یتکایی می‌زدند، طرح مسجد و مقصوره انداخته استادان نادره‌کار به مبارکی و اقبال شروع در کار کردند».^{۳۷} بخشی از گزارش جنابادی در شرح طرح میدان و مجموعه بناهای متصل به آن، سیمایی دیگر را از فرایند ساخت میدان در اختیار ما قرار می‌دهد. گزارش وی حاکی